

سازهانگاری و هویت انقلاب اسلامی

«ملاحظه‌ای بر صدور ارزش‌های انقلاب اسلامی در بستر جنگ تحمیلی»

محمد طهماسبی برنا، احسان عسگری^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۲۰

چکیده:

این پژوهش که با رویکردی کیفی و متکی بر ابزار گردآوری داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای و اسنادی بود، تلاش نمود تا روند برساخت هویت متمایز انقلاب اسلامی را در بستر جنگ هشت ساله تحمیلی رژیم بعث عراق علیه ایران و با محوریت قرار دادن مسئله صدور انقلاب مورد بررسی قرار دهد. سازهانگاران بر این باوراند که هویت، درک از خود و دیگری و برداشت از وضعیت کنونی و آینده و در کل ذهنیت ایجاد شده باعث می‌گردد کنش ساختار و بازیگران انقلابی در بستری همچون جنگ شکل‌بندی جدید و تحوکی ماهوی به خود بگیرد. چنانچه شکل‌گیری هویت تقابلی‌جویانه در عرصه سیاست خارجی با توجه به محوریت یافتن اصل موجودیت نظام انقلابی مهمترین پیامد این وضع در بین انقلابیون و بازیگران می‌باشد. بر مبنای این گزاره، نوشتار حاضر در تلاش بود تا ابتدا به اصول و مبانی تئوریک صدور انقلاب اسلامی پرداخته و سپس کنش رهبران انقلابی نسبت به راهبرد صدور انقلاب در بستر رخدادی چون جنگ را مورد بررسی قرار دهد. چنانچه مطابق با یافته‌های حاصله می‌توان گفت جنگ تحمیلی بستری مهیا نمود تا هویت انقلاب اسلامی بر اساس دو انگاره از خود و انگاره‌های دیگری در یک زمان صریح‌ترین کنش‌ها و واکنش‌ها را به عرصه عمل وارد نماید؛ لذا از آنجا که هویت‌ها سازنده و تأثیرپذیر از ساختارند، این تعامل بین بازیگران و درک از خود و دیگری در آرمانی‌ترین عرصه بیرونی انقلاب، یعنی صدور انقلاب تأثیراتی کیفی بر جای گذاشته است که رسالت این پژوهش نیز بررسی این روند تأثیر پذیری در بستر یک جنگ تحمیلی بوده است.

واژگان اصلی: صدور انقلاب، جنگ تحمیلی، انقلاب اسلامی، سازهانگاری، هویت.

۱. دکترای تاریخ انقلاب اسلامی؛ پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

mtahmasebi39924@gmail.com

۲. دکترای جامعه‌شناسی سیاسی؛ پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی، تهران، ایران

مقدمه

انقلابیون در هر انقلاب بزرگی بر این باوراند که صدور انقلاب، این محبوب تمامی انقلابیون راستین در کالبدی آرمانگرایانه و جهان شمول به همه جهان شناسانده خواهد شد و انقلاب بزرگشان نوید فردایی بهتر را برای سایر مردمان جهان به ارمغان خواهد آورد (Connery, 2023: 7). صدور انقلاب همراه با شور و شعفی زاید الوصف همراه می‌شود که نیرو و توان را به نیروهای انقلابی هدیه خواهد نمود (Brockington, 2023). انقلابیون و در رأس آنها رهبران انقلابی با صورت‌بندی پیروزی‌های نزدیک و درخشان این تاب و تب را در جهان تئوریزه و سهل الوصول می‌نمایند (Connery, 2023؛ Manyika & Spence, 2023). هر روزنه‌ای برای فعالیت، هر تحوکی برای تأثیرگذاری و هر انعکاسی از آرمان‌های انقلابی در هر نقطه‌ای از جهان، این شور را در بین انقلابیون بیدار می‌نماید (Manyika & Spence, 2023). تمامی اقدامات در داخل و خارج در تمامی عرصه‌ها و زمینه‌ها برای این مهم به صف می‌شوند. انقلابیون در میان سیلی از مشقت‌ها و فشارها تلاش می‌کنند تا این مشعل انقلابی را به سر منزل مقصود برسانند. در این مسیر با هر جهش، همنوایی و با هر مقبولیت و پذیرشی آرمان‌های انقلابی‌شان مملو از امید گشته و با هر شکست و محدودیت و عقب‌گردی در یأس‌های عمیقی فرو می‌روند، مشت بر دیوار شکست می‌کوبند و به دنبال روزنه، مجال و فرصتی دیگر برای احیای این آتش انقلابی خود می‌گردند (Connery, 2023: 10-12)؛ زیرا خوب می‌دانند که این فرصت‌ها در صورت شکست تکرار نخواهند شد. چنانچه این مسیری مشقت‌بار برای هر انقلاب و انقلاب‌ای خواهد بود تا موجودیت و اساس انقلاب خود را در پذیرش این مهم و جاودانه نگه داشتن انقلاب خود بدانند (Brockington, 2023).

تحلیل کیفیت فضای انقلابی جدید و تأثیر آن در کم و کیف تحولات داخلی و بیرونی با توجه به ماهیت انقلاب‌های رخ داده به عنوان یک موضوع پژوهش همیشه علاقه‌مندان خاص خود را داشته است. در مورد انقلاب اسلامی ایران با تکیه بر ویژگی‌های ماهیتی انقلاب و با توجه به رویکرد تکلیف‌گرایانه رهبران انقلابی، صدور انقلاب روند عملگرایانه‌تر و تندتری به خود گرفت و جنگ به عنوان فرصتی برای صدور انقلاب تبدیل گشت. بر مبنای این گزاره، پژوهش حاضر در تلاش است تا ابتدا به اصول و مبانی نظریه صدور انقلاب اسلامی در قالب ادبیات نظری پژوهش بپردازد و در بخش بعدی نیز کنش رهبران انقلابی نسبت به راهبرد صدور انقلاب در بستر

رخدادی چون جنگ را مورد بررسی قرار دهد؛ زیرا جنگ تحمیلی بستری مهیا نمود تا هویت انقلاب اسلامی بر اساس دو انگاره از خود و انگاره‌های دیگری در یک زمان، صریح‌ترین کنش و واکنش‌ها را به عرصه عمل وارد نماید. از آنجا که هویت‌ها سازنده و تأثیر پذیر از ساختاراند، این تعامل بین بازیگران و درک از خود و دیگری در آرمانی‌ترین عرصه بیرونی انقلاب یعنی صدور انقلاب، تأثیرات زیادی بر جای گذاشته است که رسالت این پژوهش بررسی این روند تأثیرپذیری در بستر جنگ تحمیلی می‌باشد. بر این اساس این پژوهش در تلاش است به این پرسش اصلی پاسخ دهد که جنگ به عنوان یک مؤلفه مهم در برساخت هویت انقلاب اسلامی چه تأثیری بر صدور انقلاب اسلامی گذاشته است؟

تاکنون پژوهش‌های بسیاری در باب صدور انقلاب‌ها انجام شده است که مسئله صدور انقلاب را در یک نگاه کلان و در ساختارهای انقلابی مورد بررسی قرار داده‌اند؛ چنانچه برخی از پژوهش‌ها هم که به مقایسه صدور انقلاب‌ها می‌پردازد با همین نگاه کلی این روند را مورد پژوهش قرار داده‌اند، اما اثری مستقل که صدور انقلاب را از دریچه عمل و اندیشه رهبران انقلاب با توجه به رخداد عظیمی چون جنگ و در بستری مقایسه‌ای مورد بررسی قرار دهد، صورت نگرفته است. بنابراین این پژوهش در صدد است تا به این خلاء پژوهشی پاسخ دهد.

چارچوب نظری

سازه‌نگاری از جمله رهیافت‌های متأخر در عرصه علوم اجتماعی و تحلیل پدیده‌ها و فرآیندهای سیاسی تلقی می‌گردد که در اواخر دهه ۱۹۸۰ (م) در روابط بین‌الملل به یکی از نظریه‌های اصلی روابط بین‌الملل تبدیل شده است. از مهمترین بنیان‌های برآمده از این نظریه که در این پژوهش نیز به آن توجه شده، مفهوم هویت و هنجار است. در رویکرد سازه‌انگاران سیاست بین‌المللی مبتنی بر فرآیندی رابطه‌ای است که در آن عوامل فکری مانند فرهنگ، ایده‌ها و هنجارها نقش اصلی را ایفا می‌کنند. از منظر سازه‌انگاران، مهمترین مباحث در روابط بین‌الملل یعنی ساختار و کارگزار به شکل متقابل و مستمر در حال اثرگیری و اثربخشی متقابل می‌باشند (گریفتیس و همکاران، ۱۴۰۲). سازه‌نگاری بر این باور است که هویت‌ها، بالقوه بخشی از قواعد قوام‌دهنده دولت‌ها هستند و نتیجتاً کنش‌های آنها را در داخل و خارج سبب می‌شوند. به عبارتی، شناخت هر بازیگری از خود و دیگری، رفتار بین‌المللی آن را شکل می‌دهد. تعامل بین

شناخت و کنش و نقش آن دو در تصحیح و تنظیم همدیگر به صورت واضح و نظام‌مند برای سازه‌انگاران بسیار مهم می‌باشد. از آنجا که هویت‌ها، منافع و کنش بازیگران را شکل می‌دهند، فهم و تلقی درست از آنها برای تحلیل سیاست خارجی و رفتار بین‌المللی بازیگران فوق‌العاده حیاتی است. هویت به معنی فهم‌های نسبتاً ثابت و متبیین بر نقشی خاص از خود و دیگری است، بنابراین امری رابطه‌ای است (مشیرزاده، ۱۳۸۶: ۱۸۲). چنانچه کنشگران در قبال خود و دیگران تفسیر می‌کنند، تصمیم می‌گیرند، اعلام می‌کنند و در نهایت اجرا می‌کنند و این کارها را بر اساس درک خود از جهان انجام می‌دهند.

گرفیتس سازه‌انگاری را رویکردی برای بررسی روابط بین‌الملل می‌داند که هنگام تبیین رفتار کنشگران بر اولویت متغیرهای غیرمادی و به طور مشخص هنجارها، فرهنگ، باورها، هویت و اندیشه تأکید دارد (گرفیتس و همکاران، ۲۰۰۲: ۱۴۰۴). سازه‌انگاران اساساً کانون بحث را از معرفت‌شناسی به هستی‌شناسی منتقل کرده‌اند و شعار اصلی خود را در "توجه به ایده‌ها و انگاره‌ها" قرار داده‌اند (Houghton, 2007: 26). تصور از خود و از دیگران و تعریفی که از هویت خود ارائه می‌کنند، در نظام‌های سیاسی پیامدهای متفاوتی را به دنبال دارد. هواداران سازه‌انگاری روندهایی را بررسی می‌کنند که هویت‌ها و منافع کنشگران از طریق آنها در جریان تعامل اجتماعی مستمر با سایر بازیگران تولید، بازتولید و گاه دگرگون می‌شود (رسولی ثانی آبادی، ۱۳۹۱: ۸). بنابراین سازه‌انگاران با مطرح کردن اهمیت مفاهیمی چون فرهنگ، هویت و قواعد در روابط بین‌الملل، دیدگاهی اجتماعی به سیاست‌های جهانی ارائه می‌دهند و بر اهمیت ساختارهای هنجاری و نقش هویت در ساخت منافع و کنش‌ها تأکید می‌کنند. ونت بر این باور است که ساختار بینادهنی نظام بین‌الملل که بر پایه شناخت مشترک است، نقش بسیار اساسی و مهمی در ساخت و پرداخت هویت‌ها و منافع دولت‌ها دارد (Wendt, 1994: 385).

نکته مهم در این بین این است که سازه‌انگاران نقش ویژه‌ای را برای تاریخ قایل می‌باشند. در این چارچوب آنها معتقدند که هویت یک کشور با ارجاعات ارزشی به گذشته و آینده شکل می‌گیرد؛ زیرا دولت‌ها به روایت تاریخ به شکلی خاص، آن را به پشتوانه عملکرد امروز خود قرار می‌دهند. در تحلیل سازه‌انگاران بالاخص در زمینه سیاست خارجی، الگوها و فرم‌های از پیش تعیین‌شده و در حال تکوین به عوامل تعیین‌کننده سیاست خارجی و عرصه‌های عمومی تبدیل می‌شوند (آقایی و رسولی، ۱۳۸۸: ۹). این مسئله از طریق قرارگرفتن هویت نظام سیاسی در مرکز

تحلیل در هر عرصه‌ای از رفتار بیرونی یک نظام سیاسی تحقق می‌یابد و با این عمل نظریه‌سازانه‌نگارانه در سیاست خارجی ممکن می‌شود.

بحث و واکاوی تجربی

هویت نظام انقلابی

سازه‌گرایان تأکید ویژه‌ای بر عنصر هویت در شکل‌گیری منافع ملی کشورها و ملت‌ها دارند و هویت را پل ارتباطی سیاست داخلی و خارجی کشورها بر می‌شمارند. گریفیتس بر این باور است که ساخت هویت بنا به تعاریف و عناصر تأثیرگذار در آن از جمله الگوی قدیمی دولت - ملت بر روی یک عنصر غیریت‌ساز سیال همچون داخل/خارج خود/دیگری نیز به دست می‌آید. دولت‌ها با روایت‌کردن تاریخ به شیوه‌ای خاص، آن را پشتوانه عملکرد خود می‌دانند و بر اساس هویت زمینه‌مند خود، جهان را برای خود می‌سازند و در این تعامل هویت آنها دچار دگرگونی یا (تثبیت بیشتر) می‌شود. دولت‌ها بر این اساس نیازمند هویت (یعنی نقشی نسبتاً باثبات)، شناخت از خود و انتظارات و توقعاتی که دیگران بر اساس موقعیتی خاص که دولت در آن قرار گرفته و خود را تعریف می‌کنند، هستند. در اینجا دولت‌ها در مقام بازیگران صحنه بین‌المللی تفسیر می‌کنند، تصمیم می‌گیرند، اعلام می‌کنند و در نهایت اجرا می‌کنند؛ چنانچه همه این کارها را در چارچوب درک خود از جهان انجام می‌دهند. لازم به ذکر است که در اینجا منظور از هویت، یک هویت اجتماعی پیکروار است؛ یعنی آن قسمتی که به پرسش چگونگی شکل‌گیری آن و منشأ هویت دولت می‌پردازد، مدنظر قرار دارد. هویت دولت‌ها محور تعریف آنها از واقعیت و برساختن مسائلی مانند قدرت، منافع ملی، دوست و دشمن، امنیت و در نهایت تصمیم‌گیری و کنش بر اساس آنهاست. کشورها نیز مانند افراد تا حد زیادی زندانیان هویت و دسته‌بندی‌های ارزشی خود از جهان هستند (Adler, 2005: 78-79). بنابراین همان‌گونه که ونت بر این باور است، هویت در نظام سیاسی کشورها بر شیوه‌های روابط خارجی آنها تأثیر می‌گذارد. همچنین، رفتار دولت‌ها در سیاست خارجی به نوع فرهنگی بستگی دارد که در خود درونی کرده و دولت‌ها بر پایه نحوه درونی‌کردن این فرهنگ‌ها در خود، رفتار متفاوتی را در سیاست خارجی بروز می‌دهند (ونت، ۱۳۹۸: ۳۶۹). از جمله مهمترین مبانی هویت یک نظام سیاسی می‌توان به دین و مذهب، زبان، نژاد و قومیت، تاریخ، ساخت اجتماعی و جغرافیا اشاره کرد.

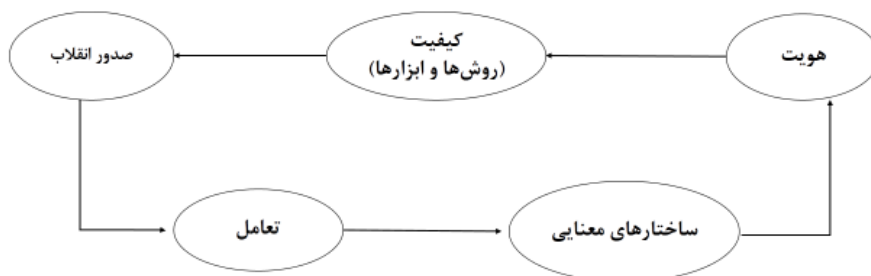
در واقع با محور قرار گرفتن هویت، نظریه واحد سازه‌انگاری مبتنی بر قرار دادن ذهنیت به عنوان قوام‌بخش عالم تحقق می‌یابد و نظریه سازه‌انگاران به‌الاخص در عرصه بیرونی یک نظام سیاسی امکان‌پذیر می‌شود. طبق نظریه سازه‌انگاران مفاهیم زبانی، ایده‌ها و باورها، انگاره‌ها جغرافیایی و برساخته‌های موجود مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند و ساختاری منسجم و هویت‌مند که ویتروینی منسجم و متمایز از یک ساختار است را ارائه می‌دهند. بر همین اساس ونت رابطه بین هویت و منافع را به کمک نقش تعریف می‌کنند. نقشهایی که دولتها بر عهده می‌گیرند، آنها را به مجموعه اقداماتی فرا می‌خواند که با این نقش هماهنگ هستند. بنابراین سازه‌انگاران هویت را به عنوان متغیر اصلی در شکل‌دهی رفتار کنشگران در عرصه داخلی و بین‌المللی مطرح کرده‌اند. از این منظر، هویت یک دولت در بستر تاریخی و فرهنگی و ساختار بین‌الذهانی معنا می‌یابد. این کیفیت از هویت از نظر سازه‌انگاران هم حامل مایه‌های ثابت و هم معناها و اشکال پویاست. در این معنا هویت بازیگران همواره در حال پوست انداختن و بازتعریف است و سخن‌گفتن از هویتی همیشه ثابت غیرممکن می‌باشد (ونت، ۱۳۹۸: ۳۲۵). چستی در وضعیت کنونی و تعریف خود در دنیای پیرامونی می‌تواند مهمترین دغدغه سازه‌انگاران در مقوله هویت به شمار رود. سازه‌انگاران فرض را بر این می‌گذارند که خودها یا هویت دولتها متغیر است که این متغیر بودن دوسویه باعث نوعی تعامل بین هنجارهای بین‌المللی و هویت بازیگران می‌شود (Porcel, 2002: 142). تحلیل سازه‌انگاران متوجه تأثیر تاریخ در شکل‌دهی به سیاست خارجی نیز است. آنها احتمالاً به بافت تاریخی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی بستگی دارند (Hopf, 2002: 456). در این چارچوب، سازه‌انگاری معتقد است که هویت یک دولت با ارجاعات ارزشی به گذشته و آینده شکل می‌گیرد. دولتها نیز با روایت تاریخ به شیوه‌ای خاص آن را به عنوان پشتوانه‌ای برای عملکرد امروز خود قرار می‌دهند (Porcel, 2002: 147-149).

اهداف هویتی و دستیابی به آن

از نظر سازه‌انگاران هویت و منافع و استراتژی دولت را به سه شیوه می‌توان با هم مرتبط ساخت. اولاً بر پایه یک منظومه متشکل از ارزش‌های همسو که تولید و بازتعریف شده‌اند. دوماً باورهای خاصی که ناشی از تعریف بازیگر از هویت خود است و برای نظام مورد نظر مجموعه‌ای از اولویت‌ها را شکل‌بندی می‌کند؛ ایجاد انقلاب‌های کمونیستی در جهان (نظیر شوروی) از این

جنس می‌باشد. در آخر هویت‌ها، قواعد و عملکردهای خاصی را در برمی‌گیرند که مشخص می‌سازند کدام روش و وسیله و در کل استراتژی مشروع بوده و در کانون توجه تصمیم‌گیران و اقدام‌کنندگان قرار خواهد گرفت. برداشت‌هایی که از یک نظام انقلابی با ماهیت کمونیستی یا دینی انتظار می‌رود، در این بخش شکل‌بندی و متمایز می‌شوند. بنابراین انتظار می‌رود با تعریف یا تغییر هر یک از این برداشت‌ها نوع، روش و اولویت‌های تعریف شده نیز به عنوان این پیامد تغییر دچار دگرگونی و تحوّل شوند. در عرصه صدور انقلاب که ویت‌ترین بیرونی هر انقلابی به شمار می‌رود، تمامی این فرآیندها، برداشت‌ها و پیامدهای رفتاری در یک الگوی مشخص قابل ردیابی هستند. نگارنده در چارچوب مقاله، مدل زیر را در بررسی عوامل تمایز و تفاوت کیفیت صدور انقلاب طراحی نموده و به بررسی آن خواهد پرداخت.

شکل شماره (۱): مدل مفهومی تحقیق



مطابق با مدل بالا، هویت یک نظام سیاسی به عنوان یک متغیر مستقل که بر بسترهای متنوع داخلی و خارجی شکل گرفته است، بر کیفیت صدور انقلاب در تمامی عرصه‌ها تأثیر مستقیمی بر جای می‌گذارد. بر این اساس، هویت یک دولت و ساختار عبارت است از معنایی که یک بازیگر در برداشت و رویکرد به دیگران و برای خود قائل است. به نظر و نت، در چشم انداز سازه‌نگاری، هویت مقوله‌ای وابسته به زمینه اجتماعی، سیاسی- فرهنگی و تاریخی است. ارزش‌ها، باورها و هنجارها و حتی عوامل جغرافیایی و نژادی در شکل‌بندی این هویت نقش مهمی را ایفا می‌کنند. عبارتی، قرارگرفتن مسئله هویت نظام سیاسی در مرکز تحلیل ایده مرکزی سازه‌نگاری مبنی بر قرار دادن ذهنیت به عنوان قوام‌بخش عالم تحقق یافته است؛ چنانچه در برداشتن هویت مارکسیستی یا تلاش برای صیقل دادن این هویت متمایز نسبت به هویت‌های دیگر باعث بروز کیفیتی متمایز در خروجی این ساختار در عرصه صدور انقلاب خواهد شد. شکل‌بندی نهایی

در ماهیت و کم و کیف مسئله صدور انقلاب به مؤلفه‌های هویتی در ساختار انقلابی و ذهنیت انقلابیون به عنوان کنشگران طراز اول در این عرصه بستگی دارد. در ادامه به شاخص‌ترین مؤلفه‌های هویتی متمایز در انقلاب اسلامی اشاره خواهد شد که به عنوان چشم‌انداز مسیر انقلابیون در مسئله صدور انقلاب نقش بارزی ایفا نموده‌اند و ذهنیتی متمایز را برای انقلابیون در ادامه مسیر به وجود آورده‌اند.

مبانی هویتی صدور انقلاب اسلامی

در رویکرد امام خمینی، پیروزی انقلاب اسلامی یکی از اهداف کوتاه مدت در روند پیروزی انقلاب اسلامی می‌باشد و پیروزی نهایی با توجه به اهداف جهانی و دارا بودن چشم‌اندازهای جهانی و با حفظ ماهیت اسلامی و راه پیمودن در مسیر تکلیف الهی انجام می‌پذیرد. میلانی بر این باور است که فرآیند اسلامی سازی سیاست خارجی ایران با توجه به تسلط بنیادگرایان در عرصه تصمیم‌گیری باعث شده تا اولویت اصلی و بخش اعظمی از انرژی خود را برای صدور انقلاب هزینه نمایند. وی در ادامه بیان می‌کند که برخی اقدامات در این مسیر باعث ایجاد روند مداخله جویانه جمهوری اسلامی در کشورهای منطقه شده است (میلانی، ۱۳۸۵: ۳۳۳)، اما همانگونه که خود اذعان دارد این اقدامات در راه ارتباط‌سازی با حرکت‌های اسلامی - انقلابی سراسر جهان می‌باشد که بیشتر از آن‌که به عنوان اقدامی از سوی رهبران انقلابی شناسایی شود، از جذابیت‌های انقلاب اسلامی و از یک روند ائتلافی در اهداف نشأت می‌گیرد.

امام خمینی (رحمه الله علیه) از طریق نفی دوگانه الگوی آمریکایی به علت کیش منفعت و شهوت و الگوی مارکسیست به علت الحاد رسمی که در شعار "نه شرقی و نه غربی" تبلور می‌یافت، سنت عدم تعهد خود را که اختصاص به تعداد زیادی از ملل جوان داشت، تجدید نمود (لوفور، ۱۳۸۴: ۱۳۶). هانتینگتون نیز این روند را با نمود یک دشمن خارجی به عنوان غرب در بین انقلابیون شاخص‌سازی نموده است (هانتینگتون، ۱۳۹۸: ۲۷۴). چنانچه شاخص‌های ایدئولوژیک سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر این امر تأکید دارد که لازم است تا جلوه‌هایی از مقابله‌گرایی با کشورهای تهدیدکننده امنیت ملی نیز در دستور کار قرار گیرد (متقی، ۱۳۸۹: ۲۰۱). از سویی دیگر، گسترش اسلام‌گرایی از سوی امام خمینی (رحمه الله علیه) مانعی بنیادین و اساسی در برابر برنامه‌ها و نقشه‌های دنیای غرب در جهان اسلام محسوب می‌گشت. حضرت امام توانست در دنیایی که

غرب به عنوان هسته مرکزی تمدن و فرهنگ جدید محسوب می‌شد، با مرکز زدایی از غرب، اسلام را از حاشیه به متن و مرکز اصلی تحولات و خیزش علیه زیاده‌خواهی تفکر و عمل غربی قرار دهد (محمدی، ۱۳۸۳: ۵۱۰).

امام خمینی (رحمه الله علیه) با شناخت شرایط حاکم در جهان، مشکلات کشورهای اسلامی و مظلوم را در وجود دولت‌های سلطه‌گر و به ویژه آمریکا می‌داند و بر این نکته تأکید می‌کند که «الان تمام گرفتاری‌های ما از آمریکاست. تمام گرفتاری‌های مسلمین از آمریکاست» (صحیفه امام، جلد ۱۲، ص ۱۷۵). وی این شناسایی عامل بیرونی مشکلات و لزوم برخورد با آن به عنوان یک فریضه و تکلیف معرفی می‌شود و این مبارزه را تقابلی دائمی با قدرت‌ها و نوکران آنان می‌داند (صحیفه امام، جلد ۱۲، ص ۳۱۸). امام خمینی (رحمه الله علیه) در این باره به دنبال ایجاد تمدنی متفاوت با فرهنگ غربی بود و تصریح می‌کند که ما تمدنی می‌خواهیم که بر پایه شرافت و انسانیت استوار باشد و بر این پایه صلح را حفظ کند. ایشان در رابطه با هدف اسلام از آغاز تا اکنون به دنبال ایجاد طرحی متفاوت و بر پایه ارزش‌های متعالی بود و اعتقاد داشته که اسلام از هنگام ظهورش متعرض نظام‌های حاکم در جامعه بوده و خود دارای سیستم و نظام خاص اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بوده است (صحیفه امام، جلد ۱۵: ۳۳۹).

انگاره‌های تقابل جویانه

حادثه گروگانگیری و تسخیر سفارت آمریکا به مثابه نقطه آغاز سیادت آرمان‌گرایان انقلابی بر ملی‌گرایان بود. اشغال سفارت آمریکا در تهران، نقطه پایان سیاست‌های میانه‌روانه و مبتنی بر رویکرد موازنه منفی دولت موقت بود. از این زمان به بعد دوره‌ای از سیاست خارجی آغاز شد که متأثر از رادیکالیسم اسلامی و ایده صدور انقلاب بود (میلانی، ۱۴۰۰: ۲۶۱). رویکرد تقابل جویانه ایدئولوژیک امام خمینی (رحمه الله علیه) در ده ساله بعد از پیروزی انقلاب که می‌توان آن را در رویکرد صدور انقلاب هم تعبیر کرد، برای اولین بار در جریان تسخیر سفارت آمریکا که به عنوان لانه جاسوسی در یک عمل عینی نمود پیدا کرد، با تسخیر سفارت آمریکا به اوج خود رسید و به دلیل آن که یکی از مهمترین اتفاقاتی که پیامدهای بسیار مهمی چه در داخل و چه در خارج از ایران داشته است، به عنوان نقطه عطفی در بررسی جهان‌بینی رهبر انقلاب در مواجهه با صدور انقلاب به شمار می‌رود. پیش از اشغال سفارت آمریکا حضرت امام که بهتر از بازرگان ماهیت انقلاب

اسلامی را می‌شناخت، به تقویت ساز و کارهای دینی پرداخت و به مرور از آنها در تحولات مهم انقلاب استفاده می‌نمود (میلانی، ۱۴۰۰: ۲۶۳). فضای انقلابی و بحران‌ها و مشکلاتی که در داخل ایران روی می‌داد و به اعتقاد انقلابیون، دشمنی آشکار قدرت‌های جهانی با اهداف و ماهیت انقلاب اسلامی در تشدید این بحران‌ها باعث شد تا در آبان ماه سال ۱۳۵۸ این سفارت به اشغال انقلابیون درآید و امام خمینی (رحمه الله علیه) بعد از این اقدام جوانان انقلابی، این حرکت را به عنوان انقلاب دوم و انقلابی بزرگتر از انقلاب اول نامیدند. نام گذاری این رویداد به عنوان انقلاب دوم ماهیتی جهانی برای یک رویداد برای ایجاد یک فضای تقابل و هم‌آوردی در عرصه نظری با قدرت‌های استکباری داشت. بی اهمیت بودن پیامدهای آن برای منافع ملی و همچنین عدم محاسبه هزینه‌های آن نشان از رویکرد ایدئولوژیک این رفتار تقابل‌جویانه داشت. آمریکا به عنوان مظهر تمام بدی‌ها و از آن مهمتر حامی رژیم‌های ارتجاعی منطقه و اسرائیل که بعد از پیروزی انقلاب به عنوان "دشمن درجه یک" اسلام معرفی شده بود، مورد هدف این اقدام تقابل‌جویانه قرار گرفت. ارائه لقب "جهانخوار" به آمریکا نشان از یک تقابل با قدرتی استکباری داشت که اهداف اشاعه ارزش‌های انقلابی مواجه با آن را نشانه رفته بود. از طرف دیگر، جمهوری اسلامی با پیگیری سیاست نه شرقی، نه غربی از پذیرش پیوستن به بلوک‌های دوگانه شرق و غرب خودداری کرد و داعیه‌دار ایدئولوژی جدید اسلام سیاسی در جهان شد. از این رو طبیعی بود که سردمداران دو بلوک شرق و غرب تمام توان خود را در راه جلوگیری از دستیابی جمهوری اسلامی و آرمان‌هایش به کار گیرند که نمونه روشن آن، کمک همه جانبه آمریکا و شوروی به عراق و کشورهای عربی در جنگ هشت ساله با ایران بود.

هویت فراملی

حمله عراق به ایران جانی تازه به انقلاب اسلامی بخشید؛ زیرا تمام کشور پشت سر امام خمینی (رحمه الله علیه) صف کشید و آمیخته شدن انگیزه‌های قوی شیعی با ناسیونالیسم قدرتمند ایرانی باعث تقویت بنیادگرایی و رادیکالیسم شد. ظاهراً تصمیم صدام حسین در حمله به ایران، هم ادعای مجدد برکرانه شرقی اروندرود و هم براندازی جمهوری اسلامی ایران به عنوان شکلی از حکومت بود که منبع الهام بخش شورش‌های اسلامی بنیادگرا در درون عراق محسوب می‌شد (دفرنوزو، ۱۳۸۷: ۹۲). این جنگ باعث به وجود آمدن یک جبهه واحد و شکل‌گیری یک

فضای تند علیه دشمنان انقلاب به عنوان حامیان و به وجود آورندگان این جنگ تحمیلی گردید که نوک پیکان این فضای بدبینانه، کشورهای غربی و در رأس آن آمریکا را نشانه رفته بود. امام خمینی (رحمه الله علیه) در پیام‌ها و سخنرانی‌های خود به فشار قدرت‌های جهانی برای ضربه زدن به ملت و انقلاب ایران اشاره می‌کردند و در کنار آن پیروزی انقلاب و جبهه ستم‌دیدگان را قطعی می‌دانستند و حتی جنگ بین ایران و عراق را جنگ دو دولت معرفی نمی‌کردند و اعتقاد داشتند به وجود آمدن این جنگ به کمک قدرت‌های استکباری و هدف از آن از بین بردن انقلاب اسلامی است و این جنگ را جنگ اسلام و کفر معرفی می‌کرد (دفر و نزو، ۱۳۸۷). حضرت امام در بیانات خویش آورده که «ملت ما پیروزی خویش را در سایه پیروزی همه انسان‌ها و مسلمان‌های جهان می‌بیند و همیشه یار ستم‌دیدگان و دشمن ستمگران خواهد بود. ما از ابتدا شهادت را برگزیدیم، تا با قربانی شدن خویش در راه خدا پیروزی مکتب اسلام و مسلمانان را تضمین کنیم. تا اینکه از ارزش‌های والای انسانی این خلیفه خداوند در زمین پاسداری نموده باشیم» (صحیفه امام، جلد ۲۱: ۱۷۷). در همین رابطه است که ملت در نبرد تحمیلی با مزدوران آمریکایی حزب بعث عراق درگیر و تا پیروزی حق بر باطل این نبرد را ادامه داد و پرچم خونین انقلاب اسلامی را برافراشته نمود. ملت مسلمان و انقلابی ایران در این تلاش همیشه امید داشته که دست‌های انقلابیون سایر کشورهای دیگر جهان را به همراهی و برادری بفشارد و آرزو دارد که در هر نقطه از جهان، مسلمانان انقلابی به شکست یا پیروزی ظاهری نیندیشند، بلکه تکلیف الهی خویش را انجام دهند و فقط از ارزش‌های قرآنی و مکتبی دفاع نمایند.

جنگ و برساخت هویتی صدور انقلاب

بیان شد که یکی از اهداف مهم انقلاب اسلامی این بود که صادر شود و این موضوعی بود که شدیداً جهان غرب را نگران می‌کرد و همین امر دلیل مهمی برای حمایت غرب از عراق در زمان جنگ بود. به باور بریتون، این امر که انقلاب در سربلند کردن دشمن بی‌تقصیر نیست، شاید به راستی حقیقت داشته باشد (بریتون، ۱۴۰۲: ۲۷۲). نمود آن در انقلاب اسلامی، پیدایی و شکل‌گیری تحولات مرتبط با درگیری عراق و ایران و شروع یک جنگ هشت ساله بوده است. در شهریورماه سال ۱۳۵۹ دولت عراق به رهبری صدام حسین با حمایت گسترده کشورهای غربی و عربی بنیان رفتاری خصم‌آلوده را پی‌ریزی کرده و جنگی تمام عیار را بر ضد انقلاب اسلامی ایجاد نمودند.

انقلاب اسلامی ایران به عنوان عامل و پدیده‌ای متفاوت و البته مغایر با نظم ایجاد شده بین‌المللی و در فضای مسلط و رسمیت یافته جهانی و به عنوان یک تهدید علیه این نظم معرفی گردید. برخی از کشورها از جمله عربستان نیز از این رویه نگرانی جدی داشتند (لوفور، ۱۳۸۴: ۱۳۶). انقلاب ایران استراتژی و تاکتیک‌های ایالات متحده را در گذشته، حال و آینده زیر سؤال برده و سیاست تخاصم قدرت‌های بزرگ و متحدان منطقه‌ای آنها نسبت به ماهیت و پیام انقلاب اسلامی در نهایت آنها را در قالب تحمیل جنگ هشت ساله به رویارویی با ایران سوق داد و در این بین هزینه‌های ناخواسته بی‌شماری را برای انقلاب اسلامی به همراه داشت (وزیران، ۱۳۹۹: ۷۲۰). با توجه به این نکته که پدیده جنگ می‌توانست صدور انقلاب را با معضلاتی جدی و بغرنج رو به رو کند؛ چنانچه هم اکنون نیز آسیب دیدن زیر ساخت‌های اقتصادی و ضربه دیدن روحیه جمعی در اثر تحولات جنگ چه بر اثر شکست‌ها و چه بر اثر تجربه وحشتناک دوران جنگ می‌تواند تحولات عمیقی را در رویکردها، آرمان‌ها و ارزش‌های جاری در جامعه داشته باشد. بروز و ظهور بحران‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ناشی از جنگ بیشتر می‌تواند به عنوان عاملی محدود کننده در جریان صدور انقلاب ایفای نقش کند. بسیج یکپارچه تمامی امکانات جامعه در راستای تأمین نیازهای جامعه جنگ زده می‌تواند انرژی و امکاناتی که می‌توانست صرف صدور انقلاب شود را به خود مشغول سازد. همچنین می‌توانست باعث تغییر ماهیت صدور انقلاب شود؛ بدین معنا که سرگرم شدن جامعه انقلابی در تحولات جنگ می‌تواند بنابر مقتضیات ناشی از جنگ ماهیت صدور انقلاب را تغییر دهد. جنگ در اکثر کشورها عموماً باعث محدودیت در جریان صدور انقلاب می‌شود و صدور انقلاب را از حالتی تهاجمی به حالتی تدافعی تبدیل می‌کند؛ به این دلیل که نیروهای انقلاب صرف دفاع از کشور و تمامیت ارضی و در مرحله پس از جنگ صرف بازسازی خرابی‌های ناشی از جنگ می‌گردد (فلاح نژاد، ۱۳۸۴: ۱۴۱).

اما به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی ایران در آغاز جنگ تحمیلی تلاش می‌کرد از فرصت پیش آمده پس از تجاوز عراق به منظور تبیین و ترویج اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی استفاده کند و از این رو صدور انقلاب اسلامی در اولویت سیاست خارجی قرار گرفت (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۳۵۱). در رویکرد امام خمینی (رحمه الله علیه) و با توجه به پیامدهای بسیار زیان بار جنگ تحمیلی در عرصه‌های مختلف امام خمینی (رحمه الله علیه) از جنگ با اصطلاحات و مفاهیم مثبت مثل خوب، برکت، تحفه الهی، شکوهمند و دارای عظمت یاد کرده و این تهدید را با توجه به امکاناتی برای رویش

ارزش‌های اسلامی به فرصت تبدیل نمودند (گرشاسبی و کریمی مله، ۱۳۹۶: ۲۳۱).

طی چندین سال جنگ تحمیلی، صدور انقلاب در رویکرد حضرت امام با وقوع جنگ تحمیلی و با توجه به تمامی پیامدها و تأثیرات عامل جنگ در بستر جامعه انقلابی ایران رویکردی تندتر و رادیکال‌تر را در پی داشته است که به نظر می‌رسد ارتباط مستقیم جنگ و گستردگی ابعاد آن برای انقلاب اسلامی و تهدید و خطر آن برای موجودیت انقلاب دلیل اصلی این تحوّل در رویکرد صدور انقلاب در نزد رهبر انقلاب اسلامی ایران باشد. جنگ به عنوان مهمترین عامل تعیین‌کننده در صدور انقلاب اسلامی به ورای مرزهای ملی به شمار می‌رفت. محوریت یافتن مسئله امنیت و تلاش برای گسترش فضای امنیتی و اتخاذ تصمیم‌های مهم متناسب با شرایط جنگ در مسئله صدور انقلاب این روند را به سمت یک عمل‌گرایی سوق داد. چنانچه اقداماتی در راستای تحکیم و حفظ موجودیت انقلاب اسلامی با توجه به خطر و تهدید یک جنگ همه‌جانبه صورت می‌گرفت که نمود خود را در مسئله صدور انقلاب هم نشان می‌داد. با توجه به تبلیغاتی که علیه انقلاب اسلامی انجام می‌شد رییس جمهور وقت، آیت الله خامنه‌ای تصریح می‌کردند که حتی یک وجب به خاک کشورهای دیگر نظر نداریم و ادعای تمایل جمهوری اسلامی ایران به سلطه بر کشورهای دیگر را صرفاً نتیجه تبلیغات سوء از جانب امپریالیسم خبری می‌دانیم؛ ما حمایت از تروریسم را قویاً تکذیب می‌کنیم، ولی نهضت‌های آزادی بخش مورد حمایت ما هستند و همانطور که در قانون اساسی ما تأکید شده است، ما از مردم مظلوم دفاع خواهیم کرد (روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۵/۰۳/۰۲).

چنانچه روند جنگ طوری پیش رفت که پیروزی‌های رزمندگان اسلام روزنه امید برای دنبال کردن خط‌مشی آرمان‌گرایانه به شمار می‌آمد و از نظر امام خمینی (رحمه الله علیه) جنگ تحمیلی فرصتی برای صدور انقلاب هم فراهم آورد.

جنگ و هویت فراملی انقلاب اسلامی

امام خمینی (رحمه الله علیه) با معرفی جنگ از جانب مجموعه جهان کفر و استکبار علیه اسلام و انقلاب اسلامی و ایجاد فضای مقدّس برای مقاومت انقلاب اسلامی و قرار دادن این جنگ نه تنها در یک منازعه دو واحد سیاسی و جغرافیایی، بلکه قرار دادن آن در ساحت یک جنگ و منازعه بین اسلام و کفر، جنگ بین مستضعفان و مستکبرین نمود. حضرت امام با استفاده از مفاهیم قرآنی

این جنگ را جنگ بین اسلام و کفر نامید و این عرصه را فرصتی برای اثبات حقانیت انقلاب و اسلام راستین بر می‌شمرد. رهبران انقلاب اسلامی و بالخصوص امام خمینی (رحمه الله علیه) برخلاف دولت عراق که جنگ را عرصه‌ای برای تقابل نژادی بین اعراب و ایرانیان می‌دانست، با قرار دادن آن در یک فضای ایدئولوژیک و تقابل بین اسلام و کفر از این بحران به وجود آمده فرصتی برای صدور انقلاب به وجود آوردند. پیروزی در این جنگ، پیروزی آرمان‌های انقلاب به شمار می‌رفت و شکست در آن شکست اسلام را در پی داشت. توجّه به فلسفه جهاد، شهادت و ایثار، توحید و قیامت همه از عوامل محرک و تقویت‌کننده‌ای هستند که در این دهه با استفاده از آنها یک جنگ نابرابر را سامان دادند. اسپوزیتو بر این باور است که {امام} خمینی این ایده‌ها را به ایدئولوژی انقلابی تبدیل کرد (اسپوزیتو، ۱۳۹۳: ۴۰). مفاهیمی که در یک جنگ نابرابر به نمادهای مقاومت در مقابل نیروهای دشمن بازتعریف شدند. حضرت امام با نگرش مثبت به جنگ و دگرگونی در ابعاد آن، جنگ را به صحنه و میدان تجلی ارزش‌های الهی - انسانی و تقویت ابعاد معنوی تبدیل کردند، به طوری که جنگ تحمیلی به عاملی برای صدور انقلاب و ارزش‌های آن مبدل گردید. امام خمینی (رحمه الله علیه) با توجّه به کارویژه‌های جنگ تحمیلی در ایجاد فضایی همسو با ارزش‌های انقلاب اسلامی و نشان دادن حقانیت انقلاب اسلامی می‌فرماید: ما انقلابمان را در جنگ به جهان صادر نموده‌ایم. ما مظلومیت خویش و ستم متجاوزان را در جنگ ثابت نموده‌ایم. ما در جنگ پرده از چهره تزویر جهانخواران کنار زدیم و از همه اینها مهمتر استمرار روح اسلام انقلابی در پرتو جنگ تحقق یافت (صحیفه امام، جلد ۲۱، ۲۸۳). همین تفکر و رویکرد یک تمایز ویژه بین تمامی کشورها در شرایط جنگی بود؛ زیرا هیچ نوع محاسبه‌گری ناشی از سود و زیان ملی و جغرافیایی و متعاقباً سیاسی بر آن محتمل نبوده است. رویکرد ایدئولوژیکی حضرت امام تأثیر زیادی در این برداشت از جنگ داشته است. سازش ناپذیری امام خمینی (رحمه الله علیه) در تلاشی که آمریکا و شوروی در سال‌های میانی جنگ انجام می‌دادند تا ایران را به سمت خود متمایل کنند، بسیار آشکار بود و امام در سال‌های ۶۴ و ۶۵ به پذیرش صلحی که مطابق با خواسته‌های بین‌المللی آمریکا و شوروی بود، حاضر نشد.

با توجّه به برداشت‌های امام خمینی (رحمه الله علیه) از ماهیت این اتفاق باید بر این نظر پایبند باشیم که جنگ به هیچ وجه برگشت از اصل سازش ناپذیری و رویکرد ایدئولوژیک امام نبوده است. حضرت امام در اتخاذ تصمیم، پذیرش قطعنامه را به مصلحت انقلاب و نظام می‌داند و با تأکیدی

دوباره بر تمامی اهداف انقلابی اشاره می‌کنند که کمربندهایتان را محکم ببندید که هیچ چیز تغییر نکرده است (فروتی، ۱۳۹۲: ۴۸۷). تلقی از روند این مسائل می‌تواند به این نتیجه منتهی شود که اصول آرمان‌گرایانه امام خمینی (رحمه الله علیه) و هدف نهایی از جنگ با مسیری که پشت‌سرگذاشت، نتایج بسیار پرباری را به همراه داشته است. می‌توان دریافت که پذیرش صلح و خاتمه جنگ البته با در نظر گرفتن شرایط و ملزومات با تمامی آرمان‌های ایشان در تعارض نبوده است (نیاکویی، ۱۳۹۱: ۱۸۰). بعلاوه یکی از دلایل قبول قطعنامه از سوی امام خمینی (رحمه الله علیه) تفاوت و دقیق بودن محتوی آن بر اساس خواست‌های مورد هدف نظام اسلامی بود و اینکه این قطعنامه به اتفاق آراء صادر گردید و زمینه‌های ایجاد یک صلح عادلانه را متناسب با شرایط ایران به همراه داشت (منصوری لاریجانی، ۱۳۸۰: ۲۱۱). تعیین آغازگر جنگ و پرداخت غرامت از مهمترین تغییراتی بود که در روند قبول قطعنامه باید مورد توجه قرار می‌گرفت. استراتژی امام حفظ اسلام و مصالح مسلمین بود و برای دفاع از این استراتژی باور داشت که اگر دشمنان با ابزار نظامی به جنگ بیایند، لزوماً باید با ابزار نظامی مقابله کرد و اگر با ابزارهای فرهنگی و سیاسی به میدان بیایند، باید از ابزار فرهنگی و شیوه‌های سیاسی مناسب استفاده نمود (جعفرپور، ۱۴۰۰: ۴۳). قبول قطعنامه با توجه به بازتاب‌های خارجی‌ای که برای نظام اسلامی داشت، راهبردی همسو با اهداف صدور انقلاب بود. این بازتاب نه تنها در منطقه و ملت‌های مسلمان، بلکه در نقاط دیگر جهان هم قابل رصد و مشاهده بوده است. امام خمینی (رحمه الله علیه) تأثیرات بیداری ملت‌های آفریقایی و صدای اسلام‌خواهی برخی ملت‌های آفریقایی را ناشی از جنگ هشت ساله تحمیلی می‌داند، همانگونه که نلسون ماندلا علاقه مسلمانان آفریقا به انقلاب اسلامی را ناشی از اندیشه‌های آزادی‌خواهانه و ضد استکباری امام خمینی می‌داند که بیان این ویژگی از زبان یک شخصیت تأثیرگذار بین‌المللی، حاکی از رویکرد مؤثر حضرت امام در ابعاد مختلف می‌باشد. امام خمینی (رحمه الله علیه) حتی برخی نشانه‌های رویکرد و توجه مثبت به اسلام در جوانان آمریکا و مناطق اروپایی را ناشی از این فضای مناسب برای شناسایی صدور ارزش‌های اسلامی در بستر یک جنگ تحمیلی می‌بیند (صحیفه امام، جلد ۲۱: ۲۸۳).

نتیجه‌گیری

به نظر سازه‌انگاران، رفتارکنشگران در عرصه سیاست خارجی و بالخصوص صدور انقلاب(در اینجا) باید با ارزش‌ها و هنجارهایی که هویت آنها را تکوین و شکل داده است، متناسب باشد. مهمترین مؤلفه‌های شکل دهنده به انقلاب اسلامی، ایده‌ها و باورهایی بود که در هویت مذهبی و اسلامی و با تأکید بر عنصر شیعی شکل می‌گرفت. این برداشت از خود در بین رهبران انقلاب با یک روند ساخت دیگری به پیش می‌رفت. انگاره‌هایی از خود و دیگری در تحولات بعد از پیروزی انقلاب اسلامی متمایزتر و در بستری به عنوان جنگ تحمیلی به شدیدترین وجه خود مرزبندی گردید. وقوع یک جنگ بزرگ در اولین سال‌های بعد از پیروزی انقلاب اسلامی باعث گردید تا در راهبرد صدور انقلاب نیز تحولاتی ایجاد گردد. در این روند، با شکل نوینی از صدور انقلاب مواجه هستیم که علاوه بر حتمی بودن این امر به عنوان یکی از تکالیف بشری در مقابل خداوند، به ابعاد نرم و فرهنگی آن بیشتر تأکید گردیده و بر اشتراکات مفاهیم مورد پذیرش به عنوان راهکاری برای نزدیک کردن ملت‌ها و دولت‌ها برای رسیدن به اهداف و آرمان‌هایشان توجّه شده است. همچنین انگاره‌های فراملی و تأکید بر عناصر اسلامی این هویت نیز مورد استفاده قرار گرفته است.

به نظر می‌رسد پدیده جنگ و نوع مواجهه رهبران انقلابی نتایج متفاوتی را به دنبال داشته است. کنش رهبران انقلاب اسلامی که جنگ تحمیلی را فرصتی برای اثبات حقانیت و عمل به تکلیف انقلابی خود می‌دانسته‌اند و در همسویی با این نگرش جنگ را بستر مناسبی برای صدور ارزش‌های انقلابی خود تلقی می‌نموده‌اند، تفاوت ماهوی دارد. جنگ باعث تندتر شدن و متمرکز شدن راهبرد صدور انقلاب به عنوان کنشی تکلیف‌گرایانه در ساختار انقلاب اسلامی گردید، در حالی که همین پدیده بازتعریف صدور انقلاب و توجّه بیشتر به مسائل فراملی را به همراه داشت.

منابع

- اسپوزیتو، جان. ال (۱۳۹۳). انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن، ترجمه محسن مدیر شانه چی، تهران: انتشارات باز، چاپ پنجم.
- آقایی، سیدداوود و رسولی، الهام (۱۳۸۸). سازه انگاری و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال اسرائیل، سیاست، ۱۳۹ (۱)، ۱-۱۶.
- بریتون، کرین (۱۴۰۲). کالبد شکافی چهار انقلاب، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات تمدن علمی، چاپ چهارم.
- جعفر پور، رشید (۱۴۰۰). ضرورت‌های پذیرش قطعنامه، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول.
- خمینی، روح الله (۱۳۷۸). صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)
- دفرنوزو، جیمز (۱۳۸۷). انقلاب اسلامی ایران از چشم انداز نظریه، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران: انتشارات مرکز بازشناسی اسلام و ایران، چاپ دوم.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال و رادفر، فیروزه (۱۳۸۸). الگوهای صدور انقلاب، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، چاپ اول.
- رسولی ثانی آبادی، الهام (۱۳۹۱). بررسی هویت نظام جمهوری اسلامی از منظر سازه انگاری، علوم سیاسی، ۱۵ (۵۸)، ۲۰۰-۱۷۷.
- روزنامه اطلاعات، چاپ شده در ۱۳۶۵/۰۳/۲۰، دیدار آیت الله خامنه‌ای با روحانیون مبارز عراق در تاریخ ۱۳۶۱/۰۱/۰۹.
- فروتنی، زهرا (۱۳۹۲). مبانی تصمیم‌گیری استراتژیک امام خمینی، تهران، پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی، چاپ پنجم.
- فلاح نژاد، علی (۱۳۸۴). سیاست صدور انقلاب اسلامی تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول.
- گرشاسبی، رضا و کریمی مله، علی (۱۳۹۶). تحلیل رهبری امام خمینی در جنگ تحمیلی، پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۵ (۲۰)، ۹-۳۴.
- گریفتس، مارتین. روچ، استیون و سولومون، اسکات (۱۴۰۲). پنجاه متفکر بزرگ روابط بین الملل، ترجمه علیرضا طیب، تهران: نشر نی، چاپ ششم.
- لوفور، ماکسیم (۱۳۸۴). قرن زیاده روی‌ها، ترجمه عباس صفریان، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ اول.
- محمدی، منوچهر (۱۳۸۳). بازتاب انقلاب اسلامی در جهان اسلام، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۶۳، ۱۴۱-۱۱۹.
- مشیر زاده، حمیرا و مسعودی، حیدرعلی (۱۳۸۷). هویت و حوزه‌های مفهومی روابط بین الملل، سیاست، ۳۹ (۴)، ۲۷۱-۲۵۱.
- منصوری لاریجانی، اسماعیل (۱۳۸۰). تاریخ دفاع مقدس، تهران: انتشارات اسلیمی، چاپ اول.
- میلاتی، عباس (۱۴۰۰). معمای هویدا، تهران: نشر اختران، چاپ بیست و سوم.

- میلاتی، محسن (۱۳۸۵). شکل‌گیری انقلاب اسلامی از سلطنت پهلوی تا جمهوری اسلامی، ترجمه مجتبی عطارزاده، تهران: نشر گام نو، چاپ چهارم.
- نیاکویی، سید امیر (۱۳۹۱). نسبت میان آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی در اندیشه امام خمینی (ره) با تأکید بر پذیرش قطعنامه ۵۹۸، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، ۳۱(۳)، ۱۶۹-۱۹۸.
- وزیریان، امیرحسین (۱۳۹۹). تأثیر جنگ تحمیلی بر قدرت منطقه‌ای ایران، دانش سیاسی، ۱۶(۳۲)، ۷۲۴-۶۹۷.
- ونت، الکساندر (۱۳۹۸). نظریه اجتماعی سیاست بین‌الملل، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، چاپ ششم.
- هانتینگتون، ساموئل (۱۳۹۸). نظریه برخورد تمدن‌ها، ترجمه مجتبی امیری، تهران: وزارت امور خارجه، چاپ نهم.
- Adler, A.(2005). *Communitarian international Relations* : London-Routledge.
- Brockington,D.(2023). Patriots of the American Revolution Essay Contest, Cedar Rapids Community School District, <https://crschools.us>.
- Connery,Ch.(2023). What Was the Cultural Revolution? On Alessandro Russo's Cultural Revolution and Revolutionary Culture, Review, Russo, Cultural Revolution and Revolutionary Culture, The PRC History Review Book Review Series, No. 55.
- Hopf, T.(2002). *Sosial Construction in international politics: Idendites and foreion Polices*. London. Cornell University press.
- Houghton,P.(2007). Reinvigorating the study of foreign policy decision making: Toward a constructivist approach, Foreign policy analysis. Vol 31,24-45.
- Manyika,J & Spence,M.(2023). The Coming AI Economic Revolution, Can Artificial Intelligence Reverse the Productivity Slowdown? , <https://www.foreignaffairs.com>.
- Porcel,G.(2001). Thus spoke franco: The place of history in the making of foreign policy. Foreign policy in constructed world: international relations in a constructed world armonak. M.E.Sharp.
- Wendt, A.(1992). *Anarchy is what state make of it*, *International Organiation* 46(2).
- Wendt. A.(1995). *Constructing international politics*, International security. Vol. 20. No.1.